

توهین علیه مسلمانان به نام آزادی بیان

«جوان» در گفت‌وگو با استادان علم حقوق راهکار محکومیت توهین به اسلام و پیامبر(ص) را در مجامع حقوقی و بین‌المللی بررسی کرد

به مسلمانان و پیروان آپین و دین اسلام روش‌های فکری و فرهنگی و حقوقی جواب می‌دهد؟ آیا اصلا توهین و تمسخر و ترویج تنفر، انتقاد محسوب می‌شود؟! چنین رویکردی مجاز است یا جزو موارد حقوق بین‌المللی است؟! توهین و ترویج خشونت را می‌توان به عنوان بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های مشروع مطرح کرد؟! آیا برخورد حقوقی و قانونی برای جلوگیری از تجاوز به حقوق مسلمانان در دسترس است؟!

برخی معتقدند تکلیف بیان‌های تنفر آمیز و دربردارنده تبعیض و توهین برابر ماده ۲۰ ميثاق بين‌المللی حقوق مدنی و سياسي مشخص شده و ممنوع است اما دولت‌های غربی معمولاً در تضاديق علیه مسلمانان تسامح زیادی نشان می‌دهند. جمعی از کشورهای اسلامی در آخرین نشست شورای

نیره ساری
توهین به دین یا توهین به فرهنگ دیگر؟! آزادی بیان یا توهین علیه مسلمانان؟! باز هم اقدام علیه اسلام در قالب سوزاندن اوراق قرآن کریم مسلمانان جهان را آشفته کرد. بار اول نیست. قضیه سلمان رشدی، اقدام موهن رسانهٔ فرانسوی توهین‌کننده به مسلمانان و موارد دیگر از قبیل قرآن سوزی توسط کشیش افراطی در امریکا، سوئد یا هلند تنها نمونه‌هایی از تجاوز به حقوق مسلمانان در مغرب‌زمین طی دهه‌های اخیر بوده است. از یک سو توقع احترام و رعایت اصل آزادی بیان را دارند و از سوی دیگر تجاوز و تعدی به حقوق سایر ملت‌ها در قالب همان آزادی بیان صورت می‌گیرد. سؤال این است، آیا در واکنش به این نحوه بی‌احترامی و بی‌حرمتی

جنگ صلیبی راه نیندازیم، راه سلبی محکوم به فناست

مسئول کمیته بین‌الملل دبیر خانه افشای حقوق بشر امریکایی، جهان را در حال سقوط به ورطه مکتب اومانیسزم می‌داند و بر خاسته از همین نگاه می‌گوید: توهین به مقدسات در همه ادیان الهی حرام است اما طرفداران قرآن سوزی، دنیا و همه ابنای بشر را برای خود و صرفاً شریعت یهود را با قرائت صهیونیستی مقدس می‌دانند. متن گفت‌وگو با مر تقی رفیعی، دکتری روابط بین‌الملل را در گفت‌وگو با «جوان» می‌خوانید.

اولین بار نیست که دین اسلام و مقدسات آن در کشورهای غربی به ویژه سوئد مورد اهانت قرار می‌گیرد. سؤال ما این است که چرا کشورهای اروپایی و در حالت کلی همان کسانی که مدعی آزادی هستند، در پوشش «آزادی بیان» بارها و بارها به عقاید مسلمانان توهین می‌کنند؟!

در قرن ۲۱ و پس از عبور از رنسانس با تمدن نوین اومانیستی مواجه شدیم. خاستگاه رنسانس اروپا بود و بعدها به امریکای شمالی و امروزه تمامی دنیا تسری پیدا کرده است. در شرایط فعلی نگرش نوینی در جهان به نام اومانیسزم تأسیس شده است و در واقع باید گفت ما در عصر اومانیسزم هستیم. اومانیسزم به معنای انسان گرایی یا طرفدار انسان بودن است. امر شایع، استوار و زیربنایی در اومانیسزم این است که هیچ امر قدسی وجود ندارد. سید شهیدان اهل قلم، شهید اوینی به تابلوی «مسیح از ورای ادرار» اشاره دارد که در دهکده جهانی، ماه‌ها توجه همه رسانه‌ها را به خود جلب می‌کند. در واقع اگر دنیای غرب به پیامبر اکرم(ص) یا قرآن کریم توهین می‌کند، به مسیح هم توهین می‌کند.

این مقدمه را گفتم تا از سبک اعتقادی کسانی بگویم که معتقدند ما حتی به پیامبر خودمان هم رحم نمی‌کنیم، چه برسد به پیامبر و مقدسات شما. در واقع اومانیسزم به پیامبر مسیحیان هم رحم نمی‌کند. حالا ما دینته باشیم به پیامبر مسلمانان رحم کند. طرفداران قرآن سوزی و معتقدان به قرائت صهیونیستی از شریعت یهود برای خودشان، کاتشان و پیامبرشان امر قدسی قائل نیستند. به گذشته و ماجرای سلمان رشدی نگاه کنید. چرا فرمان تاریخی از سوی امام(ره) صادر شد، به این دلیل که حضرت امام(ره) شیعی‌بودن آن را متوجه شده بود. در واقع ما با جهانی مواجه هستیم که با نهایت تلاش به سمت اومانیسزم سقوط می‌کند. در اومانیسزم به دلیل توجه به انسان، معیار حقیقت اوست و کتب ادیان الهی خالی از حقیقت هستند. توهین به ادیان برای ما معتبر است اما طرفداران قرآن‌سوزی صرفاً شریعت یهود را مقدس می‌دانند. ادیان الهی برای طرفداران قرآن سوزی معتبر نیست و تنها شریعت یهود با قرائت صهیونیستی را محترم می‌شمارند. آنها به حضرت مریم(ص) تهمت زنا و بارداری از یک نجار فلسطینی می‌زنند.

چرا این توهین و جسارت را از اسلام شروع کردند یا بهتر بگویم صرفاً این توهین و جسارت به دین اسلام مربوط می‌شود و سایر کتب و بزرگان ادیان مورد اهانت قرار نگرفتند؟!

اولین و بزرگ‌ترین دشمن کسانی که اقدام به قرآن سوزی کردند، اسلام است. توهین به مقدسات در همه ادیان الهی حرام است اما طرفداران قرآن سوزی، دنیا و همه ابنای بشر را برای خود می‌داند. در واقع این رویکرد روش جدیدی است که بعد رنسانس رخ می‌دهد. در شرایط مختلف شیوه این توهین تفاوت دارد؛ یک بار جسارت به پیامبر(ص)، یک بار قرآن و حتی مسجداالاقصی، به این دلیل است که مسلمانان اروپا بسیار در حال رشد هستند. شما ببینید



در لیگ باشگاه‌های اروپا در ماه مبارک رمضان کنار زمین چه تعداد افراد افطار می‌کنند، در حالی که دو دهه پیش چنین چیزی وجود نداشت. سردمداران اروپا از این حجم افزایش و گرایش به اسلام جاسوسی نگرانی می‌کنند. همین فردی که قرآن سوزی کرده، عراقی و مرتبط با سرویس جاسوسی موساد بوده است.

مرتضی رفیعی

دکترای روابط بین‌الملل

توهین می‌کند. واقع این نشان می‌دهد هدف آنها دقیقاً اسلام و شیعه است. آنها از گسترش اسلام با قرائت شیعی خوفناک هستند. بین ۲۸کشور اتحادیه اروپا، فرانسه و آلمان بیشترین جمعیت مسلمان اروپا را دارند. از سال ۲۰۱۰ تا نیمه سال ۲۰۱۶ تعداد جمعیت مسلمانان فرانسه از ۵۷میلیون نفر که ۸درصد جمعیت فرانسه می‌شود با افزایش مواجه بوده است. در حال حاضر تعداد مسلمانان آلمان ۶۱درصد است که این جمعیت ایجاد خطر می‌کند. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ جمعیت مسلمانان به دو برابر افزایش پیدا کند و این جمعیت برای قاره‌ای که خود را مسیحی می‌داند، ترسناک است. طبق آمار، جمعیت مسلمانان اروپا در سال ۲۰۱۰ از ۴۹درصد به ۱۱/۲درصد در سال ۲۰۱۶ رسیده و اکنون از ۱۵درصد عبور کرده است. باید دقت کرد که نباید بحث جنگ صلیبی راه بیندازیم و حتی علمای اسلام هم مخالف توراتسوزی هستند. هر چند آنها درصد هستند اسلام را دین تروریستی و افراطی نشان دهند اما خداوند در سوره مبار که صف آیه ۸ می‌فرماید: پریدون لیطفوا نوراالله بافواهم والله متم نوره ولو کره الکافرون- کافران می‌خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند کامل و محفوظ خواهد داشت. یا به قول شاعر، چراغی را که ایزد برافروزد، هر آن کس پف کند ریشش بسوزد. در همه ادیان توهین به ادیان دیگر مذموم است و این کار حتی بشری نیست.

راهکار عملی و حقوقی برای مقابله وجود دارد و از آن مهم اینکه آیا باید مقابله کنیم؟

چرچیل می‌گوید مهم نیست تو را به چه چیز بشناسند، مهم این است که تو را بشناسند. در نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپا و امریکای شمالی بیان می‌شود که «شما خودتان این قرآن را بخوانید. در واقع کسی اگر قرآن را بخواند، نسبت به آیه‌های آن به آگاهی می‌رسد.» اتفاقاً همان کسانی که قرآن را آتش می‌زنند و

حق مصونیت چگونه می‌تواند از اهانت به اسلام جلوگیری کند؟

اعتقادات دینی دارایی ماست و کسی حق تعرض به آن ندارد

رئیس مرکز پژوهشی مبنا، استاد دانشگاه و پژوهشگر حقوق عمومی از آنجا که معتقد است «نظام حقوق بشر حمایت مؤثری از دینداری انجام نمی‌دهد» راهکار محکومیت توهین به اسلام و پیامبر(ص) را در مجامع حقوقی و بین‌المللی تعریف حق مصونیت می‌داند و در این باره می‌گوید: همانگونه که بسیاری از حق‌ها، امنیت محسوب می‌شود و مصونیت دار، در نتیجه دینداری هم باید دارای حق مصونیت باشد که کسی به آن تعدی نکند. متن گفت‌وگوی «جوان» با محمد تقی دشتی را در ادامه می‌خوانید.

ویژگی حق مصونیت چیست و چگونه می‌تواند به حمایت از دینداری کمک کند و هرگونه توهین را زیر سؤال ببرد.

نخست اینکه وقتی کسی حق مصونیت دارد و نسبت به چیزی از مصونیت برخوردار است، دیگران می‌توانند نسبت به حق او یا خود او اعمال قدرت کنند. این حق می‌تواند دینداری یا حیثیت یا کرامت و اموال فرد باشد اما حق هرچه هست در برابر اعمال قدرت دیگران مصون از تعرض خواهد بود. دوم اینکه دیگران صلاحیت دگرگون‌ساختن رابطه فرد با آن حق را نخواهند داشت، مثلاًکسی که دیندار است و حق دینداری دارد، باید اعمال دینی خود را انجام دهد و دیگران صلاحیت ندارند مانع آن شوند. سوم اینکه ذی‌حق دارای مسئولیت نیست، به این معنی که وقتی کسی حق کرامت، حیثیت و سلامت روح و جسم دارد، دارای مسئولیت مقابل دیگران نیست و باید از خود صیانت کند و چهارم اینکه ذی‌حق مورد حمایت دولت‌ها و مجامع حقوق بشری قرار می‌گیرد.



پژوهشگر حقوق عمومی

در حال حاضر کرامت، حیثیت، منزلت انسانی و حرمت اشخاص یا ممنوعیت شکنجه و بازداشت خودسرانه در اسناد حقوق بشری به عنوان یک حق قلمداد می‌شود، پس چرا دینداری حق مصونیت قلمداد نمی‌شود؟

برعکس اینکه حق آزادی منجر به برابری ذهنتیت فرد می‌شود و نیاز به صیانت ندارد اما در حق مصونیت ما حصری داریم که کسی نباید از آن عبور کند که در صورت داشتن حق، اگر کسی عبور کرد، حمایت خواهیم شد. در واقع ما معتقدیم دینداری از جنس دارایی و داشتن است که باید مورد حمایت قرار بگیرد.

نتایج یا فواید پذیرش حق مصونیت چیست؟

در صورت تحقق این امر دولت‌ها و مجامع جهان به حمایت از دینداران ملزم می‌شوند، همچنین از توهین و تعرض، توهین به ادیان، اقدامات تلافی‌جویانه و خشن جلوگیری می‌شود، در نتیجه اعتماد و خوش‌بینی نسبت به نظام بین‌الملل یا نهاد بین‌الملل و کشورهای مختلف بین‌دینداران ایجاد می‌شود. همچنین با تحقق حق مصونیت دینداری، اقدامات جانبی و شهادت‌طلبانه کاهش و صلح جهانی تقویت می‌شود و رضایت دینداران افزایش می‌یابد. آموزه‌های دینی اشاعه و به شکل معقول گسترش پیدا می‌کند. فواید نظریه این است که با جلوگیری از توهین و تعرض به حقوق دینداران صلح جهانی و

توهین می‌کنند، ناخواسته برای ما تبلیغ می‌کنند. آتش‌زدن قرآن ناراحت‌کننده است اما نتیجه روشنی خواهد داشت؛ اول اینکه وعده خداست، چنانچه در آیه ۹ سوره حجر می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»، بی‌تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.»

اگر این حادثه رخ داده به نظر من انزجارآمیز است اما به نفع قرآن است. این قرآن سوزی برای جوانان اروپا و امریکا ایجاد سؤال می‌کند که چرا قرآن را آتش می‌زند اما این اتفاق برای تورات و انجیل نمی‌افتد، در نتیجه چیزی دارد که از آن می‌ترسند و این در نهایت به نفع اسلام است.

اگر بخواهیم به صورت خاص در لایه‌ای قوانین به دنبال راه‌حلی باشیم، آیا موفق خواهیم شد یا اینکه با جمع‌بندی صحبت‌های شما اگر به لحاظ حقوقی پیگیری نکنیم، موفق تر عمل خواهیم کرد؟

طبق بند ۲ ماده ۱۸ ميثاق بين‌المللی حقوق مدنی و سياسي «هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد.»همچنین طبق ماده یک ميثاق «هر کس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه به طور فردی یا جماعت، خواه به‌طور علنی یا در خفا در عبادت و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی است.»در واقع از یک طرف می‌گوید: «آزادی تفکر و وجدان داشته باشید» و از طرف دیگر می‌گوید: «ها نباید کسی را اجبار کنیم.» مجدداً در ادامه می‌گوید: «آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیت‌ها کرد، مگر آنچه منحصرأ به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.»آنها به استاد همین ميثاق می‌گویند من آزادم و می‌توانم توهین کنم و ما به لحاظ حقوقی نمی‌توانیم به ماده قانونی استناد کنیم.

پیشنهادات خود را در جمع‌بندی نهایی مطرح بفرمایید.

ما باید ایجابی صحبت کنیم نه سلبی. نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپا و امریکای شمالی همین کار ایجابی است. اقدام ایجابی ما فقط باید معرفی قرآن باشد و همزمان در مجامع بین‌المللی اعتراض خود را بیان کنیم. راه سلبی محکوم به فناست. همچنین باید هزینه دیپلماتیک را برای سوئد و دانمارک با فراخواندن سفرای کشورهای اسلامی از این دو کشور بالا ببریم و فراخوان مطالعه قرآن را بزیم.

در طول تاریخ بارها چنین عملکردهایی دیده شده است. به جای واکنش احساسی باید به واکنش منطقی و معرفی قرآن کریم پرداختیم. مهم‌تر اینکه به نقطه توهین مقابل نرسیم که خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ؛» به معبود کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها نیز از روی ظلم و جهل، خدا را دشنام دهند...».

اعتماد عمومی افزایش پیدا می‌کند.

آیا غیر از حق مصونیت راهکار دیگری برای پیگیری این موضوع در مجامع بین‌المللی خواهیم داشت؟

ابتدا این نظریه باید در کشور ما پذیرفته، پررنگ و بعد با حمایت رسانه‌ای ترویج شود تا در محافل حقوقی گسترش پیدا کند. نهادهای حقوقی مثل ستاد حقوق بشر برای آن نشست علمی و تخصصی برگزار کنند و با آماده‌شدن این مقدمات فرصت برای مطرح کردن در شورای حقوق بشر سازمان ملل در قالب قطعنامه، سند یا پیش‌نویس فراهم می‌شود.

چرا دینداری باید حق مصونیت تلقی شود؟

هر چیزی که از جنس دارایی باشد، باید در مقابل تعرض مورد صیانت و حمایت قرار گیرد، مانند اموال، حیثیت و شخصیت که از جنس دارایی هستند، باید در مقابل آزادی بیان مورد صیانت قرار گیرند. انسان موجود دובعدی است که طبق گفته قعلا و فلاسفه باید حقوق انسان در دو بعد روحی و جسمی مورد شناسایی قرار گیرند. نظر به اینکه دینداری بعد روحی دارد، پس باید به لحاظ جسمی هم مورد عنایت قرار گیرد. افزون بر این مسئله اصل جبران زبان معنوی است که به مصونیت معنوی اشخاص مربوط می‌شود. دینداری یکی از جنبه‌های معنوی افراد است که مورد پذیرش واقع شده است. اگر به جنبه معنوی انسان مثل حیثیت و اعتبار شغلی نگاه می‌شود و قانون جبران‌کننده است، پس دینداری هم بعد روحی را در برمی‌گیرد و باید جبران شود. افزون بر این از آنجا که اصل احترام به فطرت انسان و گرایش‌های فطری انسان در اسناد جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است، همه فلاسفه معتقدند دینداری فطری بوده و از فطرت انسان نشئت می‌گیرد، در نتیجه باید حمایت شود و این یکی از عناصر و لایه‌های هویتی و شخصیتی است که مورد پذیرش قرار گرفته است و باید مورد پذیرش بین‌المللی هم قرار گیرد.